



## جامعه مأنوس با فرهنگ ایثار و شهادت توقف و عقبگرد نخواهد داشت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اخیر با دست‌اندرکاران برگزاری یادواره‌های شهدا تاکید کردند «روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند.»

همشهری آنلاین: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اخیر با دست‌اندرکاران برگزاری یادواره‌های شهدا تاکید کردند «روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند.»

به همین مناسبت پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR متن کامل بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار عوامل فیلم سینمایی شیار ۱۴۳ را که در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۹۳ برگزار شده بود، منتشر می‌کند.

شیار ۱۴۳

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم (۱)

من فیلم را دیدم؛ بسیار فیلم خوبی بود. ما از سینما سررشته نداریم، اما به‌عنوان مستمع، بالاخره یک داوری‌ای انسان پیدا میکند؛ هم از لحاظ داستان، که یکی از کمبودهای اساسی فیلمهای ما نداشتن داستان خوب و پرکشش است، این فیلم یک داستان خوب و جذاب [داشت] و دارای پیچ داستانی - که خیلی هم قشنگ این پیچ، در فیلم باز شد - بود؛ هم از لحاظ کارگردانی، این خانم آبیاری - که لابد اینجا تشریف دارند - (۲) خیلی خیلی خوب فیلم را کارگردانی کرده بودند؛ هم از لحاظ بازی قهرمان اصلی، خانم زارعی - که نمیدانم ایشان اینجا تشریف دارند یا نه - (۳) واقعاً سنگ تمام گذاشته بودند و خیلی خوب بود؛ از لحاظ محتوا و مضمون هم این فیلم کاملاً فیلم ارزشی بود. من تعجب میکنم چطور ممکن است کسی تصور کند که فیلم «شیار ۱۴۳» ضد ارزش یا ضد دفاع مقدس است؛ من نمیفهمم از کجای فیلم، این در می‌آید. (۴) بله، آن مادر به این در و آن در میزند برای اینکه یک نشان یا اثری از پسرش پیدا کند؛ این روشن است، این چیز کاملاً طبیعی‌ای است؛ اتفاقاً اهمیت ماجرای دفاع مقدس در همین است؛ مادر، با این هویت، با این تشخص، با این احساس غیر قابل توصیف - که واقعاً احساس مادر نسبت به فرزند اصلاً قابل توصیف نیست و ماها که نمیتوانیم مادر باشیم، اصلاً درک نمیکنیم عظمت این احساس را - با یک چنین احساسی این مادر، هم تحمل میکند هجرت فرزند خودش را به‌سوی جبهه‌های جنگ، هم تحمل میکند شهادت او را، هم افتخار میکند. ما در طول این هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن، از مادران، گله نشنفتیم بلکه به‌عکس، مادرها را حماسی‌تر از بسیاری از پدرها یافتیم.

من این توفیق را داشته‌ام که با بعضی از خانواده‌های شهدا روی فرششان، زیر سقفشان، بنشینم و صمیمانه با آنها حرف بزنم؛ تا الان ندیده‌ام - هیچ یادم نمی‌آید، حتی یک مورد هم در بین شاید هزاران مورد - که مادری از شهادت فرزندش گله کرده باشد؛ نه، به‌عکس، مادرها افتخار میکنند، اظهار سربلندی میکنند، اظهار سرافرازی میکنند؛ این خیلی مهم است. این مادر با این احساسات مادرانه که برای فرزندش یک چنین فداکاری‌ای دارد و حاضر نمیشود که آن بچه مثلاً در محل کارش گرسنه بماند یا مانند اینها، در عین حال شهادت او را تحمل میکند، هجرت او را تحمل میکند، فراق او را تحمل میکند و هیچ گله‌ای نمیکند، هیچ شکایتی نمیکند؛ اینها خیلی به نظر من نکات مهمی است. و در آنجا خیلی خوب بازیگری انجام گرفته، خیلی خوب کارگردانی انجام گرفته، صحنه‌ها خیلی خوب انتخاب شده؛ بسیار فیلم خوبی بود.

بله، بنده هم مثل شما آقایان معتقدم که از ظرفیت دفاع مقدس در سینمای کشور ما استفاده نشده؛ خود سینمای ما انصافاً یک ظرفیت بالایی دارد، یعنی کسانی که اهل این فتنه و بلدند و مطلعند و واردند و قضاوتشان میتواند مرجع فهم انسان قرار بگیرد، معتقدند که سینمای ایران از لحاظ ظرفیت کارگردانی و گریم و بازیگری و مانند اینها، جزو سینماهای برجسته‌ی دنیا است؛ و این درست است. این ظرفیت عظیم بایستی با ظرفیت بسیار عظیم دفاع مقدس التقاء (۵) پیدا کند؛ این اتفاق هنوز درست نیفتاده. بله، مواردی از این قبیل ما در طول این سالها داریم، لکن نسبت به آنچه میتوانسته وجود داشته باشد، خیلی کم است.

عده‌ای - که من نمیدانم چه جور میشود انگیزه‌های اینها را آدم تحلیل کند - با ورود سینما به مسائل مربوط به دفاع مقدس، علناً مخالفت میکنند! من نمیدانم چه فکر میکنند؛ به اسم اینکه جنگ است، به اسم اینکه خشونت است! صد سال از شروع جنگ جهانی میگذرد - امسال صدمین سال است - (۶) هنوز در آمریکا و در خیلی جاهای دیگر دارند فیلم میسازند [آن هم] در چه گستره‌ی وسیعی! حتی آن‌طور که به من گزارش کردند، دانش‌آموزها و بچه‌های دبیرستانی را وارد این میدان فیلمسازی میکنند و از آنها میخواهند و به آنها امکانات میدهند برای اینکه بسازند؛ [چون] معتقدند که این میتواند نسل جدید را با انگیزه‌های سالم دولت‌مردان‌شان آشنا کند.

ما یک چنین افتخار بزرگی داریم: همه‌ی دنیا با ما مقابله کردند، همه در یک جبهه قرار گرفتند - اینکه دیگر خلاف واقع نیست، اینکه جلوی چشم همه‌ی ما بوده است - همه‌ی دنیا در مقابل ما صف کشیدند، همه‌ی قدرتهای نظامی به‌نحوی در جبهه‌ی مقابل نظام جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی، در هشت‌سال، ایستادند؛ و جمهوری اسلامی فائق آمد، پیروز شد؛ این خیلی چیز بزرگی است، این خیلی چیز عظیمی است، این خیلی پدیده‌ی مهمی است در تاریخ یک ملت. و این مجموعه کاری که در دفاع مقدس شد، یک مجموعه‌ی درهم‌تنیده‌ی مرکب عجیب و غریبی بود؛ زنها، مردها، پدرها، مادرها، جوانها، شهری، روستایی، بازاری، دانشجو، دانش‌آموز، مساجد، حسینیه‌ها، همه و همه به‌نحوی وارد این قضیه شدند؛ هرکدام از اینها یک موضوع است و این موضوعات میتواند وارد بخشهای هنری کشور ما بشود، وارد سینمای ما بشود، که حالا شما - تهیه‌کننده و کارگردان محترمان - از نگاه یک مادر نگاه کردید، و شد. این بسیار چیز جالبی بود و خوب از آب در آمد.

حالا بروید در مسجد و فعالیتهایی را که در یک مسجد از سوی مردم انجام گرفته است، با آن نگاه هنرمندانه تبیین کنید، یک قصه در بیاورید و روشن کنید؛ بروید در یک دبیرستان، بچه‌هایی که گاهی معلمشان آنها را تشویق میکرد که بروند، گاهی مجموعه‌ی معلم و مدیر مخالفت میکردند که اینها بروند جبهه، و اینها با شوق فراوان میرفتند جبهه و فداکاری میکردند؛ بروید داخل مجموعه‌هایی که جنگ را پشتیبانی میکردند، برایشان از مال خودشان، از امکانات ضعیف خودشان استفاده میکردند؛ بروید سراغ آن کسانی که جنازه‌ی شهدا را تشییع میکردند، این مسئله‌ی تشییع جنازه‌ی شهدا ماجرای عظیمی است که وقتی شهیدی یا شهیدانی وارد شهری میشدند، چه اتفاق بزرگی آنجا می‌افتاد؛ اینها همه موضوعاتی است که میتواند موضوع محوری و مرکزی برای سینمای ما قرار بگیرد، [اما] این کارها اتفاق نیفتاده است. بله، ایشان (۷) درست می‌گویند که ما احتیاج نداریم به اسطوره‌سازی. دیگران مجبورند اسطوره‌سازی کنند؛ یا یک مورد خاصی را پیداکنند، صدسال، دویست‌سال، پانصدسال درباره‌ی آن حرف بزنند! مثلاً یک زنی - فرض کنید - یکجایی در دنیا یک فداکاری‌ای کرده، اسمش را به‌عنوان یک نام‌آشنای برای همه‌ی بشریت تبدیل کنند. ما صدها و هزارها از این قبیل زن، از این قبیل مرد، از این قبیل جوان، از این قبیل قهرمان، در داخل کشورمان داشتیم و همین دفاع مقدس یک عرصه‌ای بود که اینها بروز کرد، ظهور کرد. نگذاریم این تاریخ از بین برود.

شما می‌بینید که این حضرات گره‌ای‌ها - من از کار اینها خوشم می‌آید - تاریخ ندارند؛ لذا می‌گویند «افسانه‌ی جومونگ»، افسانه‌ی فلان. یعنی از اول حساب را تصفیه میکنند؛ [می‌گویند] افسانه است، واقعیت نیست. یک چیزی در می‌آورند، یک تاریخ برای گذشته‌ی خودشان درست میکنند، که وقتی یک جوان گره‌ای به این فداکاری‌ها و به این شجاعتها و به این کارهای عجیب غریب سینمایی نگاه میکند، خب احساس هیجان میکند، احساس هویت میکند، احساس افتخار میکند. ما اینها را در واقعیت زندگی خودمان داریم، اتفاق افتاده، پیش آمده؛ چرا از اینها استفاده نمی‌کنیم؟ به‌نظر من یک قصور بزرگی - نمی‌گوییم تقصیر؛ لاقول قصور بزرگی - اتفاق افتاده است، باید جبران بشود. به‌نظر من ما پنجاه‌سال دیگر هم بایستی درباره‌ی دفاع مقدس بنویسیم، بگوییم، توصیف کنیم، تشریح کنیم، انواع و اقسام هنرها را به خدمت بگیریم، برای اینکه این حادثه‌ی عظیم را تبیین کنیم.

به‌هرحال من از تهیه‌کننده‌ها (۸)، از کارگردان، از بازیگرها، از عوامل تولید و همه‌ی کسانی که هستند، تشکر میکنم. فیلم خوبی بود؛ ما هم لذت بردیم، نشستیم تماشا کردیم، مثل بقیه‌ی مردم متأثر شدیم، و ان‌شاءالله که مردم هم از آن حداکثر استفاده را بکنند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

(۱) این فیلم که در سی‌ودومین جشنواره‌ی فیلم فجر به نمایش درآمد - جوایز «بهترین فیلم از نگاه مردمی» و «بهترین بازیگر نقش اول زن» را دریافت کرد.

(۲) خانم نرگس آبیاری (نویسنده و کارگردان فیلم) در جلسه حضور داشتند.

(۳) خانم مریلا زارعی (بازیگر نقش اول زن) در جلسه حضور نداشتند.

(۴) در سخنان تهیه‌کننده‌ی فیلم به این مطلب اشاره شده بود که از مراحل ابتدایی تولید فیلم و دریافت پروانه‌ی ساخت، مطرح میشد که این فیلم یک فیلم ضدجنگ و حتی ضدآرزش است.

(۵) به هم رسیدن

(۶) جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی آغاز شد.

(۷) آقای محمدحسین قاسمی (از تهیه‌کنندگان فیلم)

(۸) تهیه‌کنندگان فیلم: آقایان محمدحسین قاسمی و ابوذر پورمحمدی.